

برگهایی از تاریخ نقد ادبی ایران

محمدافشین وفائی

ادبی است، از تکلفات مضحک منشیانه بزرگان سیاست و ادبیات و دین در گفتار و سخنوری به انتقاد پرداخت. زین العابدین مراغه‌ای، نویسنده و منتقد اجتماعی، در *سیاحتنامه ابراهیم بیک* بی‌خبری شاعران و نویسندگان ایرانی را در توجه به احوال وطن و ملت و تقید ایشان به تصنع و پیچیدگی در کلام برشمرد. میرزا عبدالرحیم طالبوف، مصلح و منتقد اجتماعی، هر چند اثر مستقلی در نقد ادبی از خود به جا نگذاشت، اما در آثار پراکنده‌اش می‌توان افکار انتقادی او را در نقد انحطاط شعر و ادبیات باز یافت. آثار احمد کسروی، مورخ و زبان‌شناس، نیز در بررسی ادبیات گذشته و معاصر ایران، با همه تندروری، از اندیشه تحلیل انتقادی خالی نیست و آنچه از صادق هدایت در زمینه نقد ادبی به جا مانده حاکی از ذوق و هوش و قریحه در خشان ادبی است.

علی دشتی و نقد ادبی نخستین دفتر از مجموعه «تاریخ نقد ادبی در ایران» است که در پی مجموعه *روشنگران ایرانی و نقد ادبی* منتشر می‌شود. در این دفتر به کارنامه علی دشتی نویسنده، منتقد و سیاستمدار نام‌آور معاصر در حوزه کتابها و نوشته‌های انتقادی او از شاعران گذشته ایران رسیدگی می‌شود.

دشتی با کتابهای *نقشی از حافظ*، *سیری در دیوان شمس*، در *قلمرو سعدی*، *خاقانی: شاعری دیر آشنا*، *دمی با خیام*، *تصویری از ناصر خسرو* و *نگاهی به صائب کوشید* تا به یاری تجربه دراز روزنامه‌نگاری و قلم جذاب خود طبقه متوسط مردم ما را، که چندان آشنایی و انسی با ادبیات قدیم ایران نداشتند، با شاعران گذشته آشنا کند. به یاد بیاوریم که پیش از آثار دشتی تنها کتابها و مقاله‌های معتبر از رجال ادبی ایران همچون محمدعلی فروغی، سیدحسن تقی‌زاده، دکتر قاسم غنی، بدیع‌الزمان فروزانفر، جلال همایی و امثال ایشان در دسترس بود. اینان، آنچه درباره شاعران قدیم ایران نوشته بودند، صرف‌نظر از دقت‌های محققانه و عالمانه برای دوستداران متفنن شعر فارسی ثقیل و نامأنوس بود. دشتی با قلم دلپذیر و درخور فهم همگان کوشید تا خوانندگان متفنن را با میراث شعر گذشته ایران آشتی دهد و ایشان را به تأمل انتقادی در معنی و مضمون آثار شاعران برانگیزد.

ایرج پارس‌نژاد در کتاب *علی دشتی و نقد ادبی* آنچه را که از قلم دشتی سست و ناتندرست می‌یابد نقد می‌کند و در داوری وی از آثار دشتی، احکام بی‌اعتبار، بی‌هیچ خطابوشی، آشکار می‌شود و از قلم‌فرسایی‌های شاعرانه و آرای ذوقی و احساسی دشتی بی‌برده انتقاد می‌شود. در عین حال سوءتفاهم دشتی در تعبیر شعر صوفیه، با استناد به قول صاحب‌نظران، ناگفته نمی‌ماند.

علی دشتی و نقد ادبی. ایرج پارس‌نژاد. تهران: سخن، ۱۳۸۷.

خانلری و نقد ادبی. ایرج پارس‌نژاد. تهران: سخن، ۱۳۸۷.

ایرج پارس‌نژاد علی دشتی و نقد ادبی را در اجرای طرح پژوهشی خود در مطالعه تاریخ نقد ادبی در ایران و در ادامه کتاب *روشنگران ایرانی و نقد ادبی* منتشر کرده است.

نخستین فصل از کتاب *روشنگران ایرانی و نقد ادبی*، به قلم همین نویسنده، چنان‌که در یادداشت مؤلف کتاب آمده، به عنوان «میرزا فتحعلی آخوندزاده، بنیانگذار نقد ادبی در ایران» در فاصله سالهای ۵۸ - ۱۳۵۴ در زمان تحصیل در دانشگاه آکسفورد انگلیس، به عنوان رساله تحصیلی، نوشته شده است.

نویسنده در *روشنگران ایرانی و نقد ادبی* نشان داد که میرزا فتحعلی آخوندزاده نخستین بار با نوشتن مقاله «قرتیکا» در ۱۲۸۳ / ۱۸۶۶ در انتقاد به قصیده سروش اصفهانی، بنیاد نقد ادبی جدید ایران را گذاشت. نقد ادبی، در مفهوم علمی و اروپایی آن، نوع تازه‌ای در ادبیات جدید ایرانی است و اثری از آن در ادبیات قدیم ایران نیست. آنچه در میراث گذشته ادبی ایران می‌توان یافت ایرادهایی در ساخت و صورت شعری یا نکته‌گیری‌هایی توأم با شوخی و ظرافت است و کمتر نشانی از تحلیل موضوع و داوری در ارزش ذاتی ادبی آثار دیده می‌شود.

آخوندزاده تحت تأثیر افکار و آثار نویسندگان و منتقدان نواندیش روس نقد مضمون را جانشین خرده‌گیری‌های بحث درباره صنایع بدیعی و لفظی کلام کرد و به نقد و سنجش در ارزش موضوع و شیوه بیان کشاند و بر طرح مضامین فکری و اجتماعی و اخلاقی در آثار ادبی تأکید کرد. همچنین برای نخستین بار در تأثیر نقد اجتماعی تعهد شاعر و نویسنده را در خدمت به جامعه یادآور شد و در این عقیده تا آنجا پیش رفت که ادبیات و هنر را وسیله تهذیب اخلاق شناخت. در کتاب *روشنگران ایرانی و نقد ادبی* در می‌یابیم که متفکران ایرانی پس از آخوندزاده در پی انتشار آثار و افکار این متفکر پیشرو، کتابها و مقاله‌های بسیار نوشتند و با ادبیات زمانه خود، که بنیادش بر تقلید و تکرار و تصنع و تملق بود، به نبرد برخاستند. میرزا آقاخان کرمانی، متفکر و مورخ و نویسنده پرشور و دلیر، در کتاب *ناتمام «ریحان بوستان افروز»* نظریات انتقادی خود را درباره ادبیات ایران ارائه کرد. میرزا ملکم‌خان، نویسنده، جامعه‌شناس و عالم علوم سیاسی، در «فرقه کج‌بینان» (سیاحی گوید) که مهمترین اثر او در نقد

نویسنده در **علی‌دشتی و نقد ادبی** هر چند فروتنی سیاستمدار اهل ذوق را از اینکه دعوی یک ادیب محقق را ندارد می‌ستاید، با این همه نمی‌تواند کم‌بهره بودن او را از دانش و روش کار نادیده بگیرد. به گمان او:

«دشتی بر کنار از تمرکز و انضباط لازم در کار تحقیق است. کار تحقیق کاری است دشوار که انضباط و نظم فکری و سماجت و کنجکاو و زحمت و دقت و حوصله بسیار می‌طلبد. اما دشتی، چنان که خود می‌گوید، منتقد ادبی در معنی تخصصی نیست. او از شمار کسانی است که در اصطلاح به ایشان «اهل ذوق» می‌گویند. دشتی به هنگام فراغت از کار سیاست دیوان و دفتر شاعران گذشته را از سر تفنن ورق‌زده و هر جا نکته‌ای مطابق ذوق خود یافته یادداشت کرده است. او خود نیز جز این ادعایی ندارد.

مؤلف میراث پژوهشی دشتی را در فراهم آوردن دفترهایی در بررسی آثار شاعران ماندگارترین بخش از حاصل عمر سیاسی، اجتماعی و ادبی او می‌داند. او با اعتدال و انصاف، عیب و هنر کار دشتی را در هر یک از آثارش به دقت بر می‌شمارد و به دور از هرگونه ابهام و کلی‌گویی به موارد گوناگون ضعف و قوت کار او تصریح می‌کند. نکته آخر اینکه خواننده کتاب **علی دشتی و نقد ادبی** گذشته از آشنایی با جنبه‌هایی گوناگون از کار دشتی و نقد نکته‌هایی بدیع از ویژگی‌های ذهنی و زبانی خیام، خاقانی، ناصر خسرو، سعدی، حافظ و صائب، در نهایت با نمونه‌ای از نقد ادبی در مفهوم علمی و امروزی آن آشنا می‌شود.

*

خانلری و نقد ادبی دفتری است دیگر که مؤلف در پی دو کتاب پیشین، این بار به کارنامه پرویز ناتل خانلری در نقد ادبی پرداخته است. وی در توجیه علت پژوهش در آثار خانلری یادآور می‌شود که در بررسی تاریخ نقد ادبی در ایران به کسانی توجه دارد که با نظریات انتقادی خود در ادبیات توانسته باشند معیارها و ملاکهای تازه و اصیلی در ارزیابی شعر و نثر فارسی به دست دهند. از این رو انشائاتی که مغز و مایه‌ای ندارد، یا کلی‌گویی‌های لفظ‌پرازانه است و یا مدح و ذمی است از سر حبّ و بغض درخور اعتنا و اعتبار نیست.

پارسی‌نژاد آثار نظری و انتقادی پرویز ناتل خانلری را در موضوعات زیر حائز اهمیت می‌داند:

– نقد شعر یا مقاله‌هایی از قبیل «زبان شعر»، «ساختمان شعر» و «موسیقی شعر» که برای نخستین بار به زبان فارسی نوشته شد و به نقد شعر ایران معنا و مفهومی علمی و امروزی بخشید.

– نقد نثر و نویسندگی در زبان فارسی، که در گذشته تنها با معیارهای مبهم و کلی «فصاحت و بلاغت» ارزیابی می‌شد. همراه با پیشنهادها و سودمند برای ساده‌نویسی و درست‌نویسی.

– حمایت از شعر و هنر نو در مقاله‌های **سخن** (مجله دانش و هنر و ادبیات امروز). روشن کردن مفهوم نواندیشی و تجددخواهی در هنر و ادبیات و برشمردن خام‌اندیشی‌ها، آسان‌گیری‌ها و بی‌مایگی‌های نویسندگان و تعصب کهنه ادیبان.

– کمک به انتشار انواع جدید نمایشنامه، داستان کوتاه و رمان و

طنز فارسی و نشر و نقد آثار نویسندگان و نیز تشویق آنها.
– معرفی نویسندگان و شاعران ایرانی به فارسی‌زبانان در مجله **سخن**: صادق هدایت، بزرگ علوی، صادق چوبک، جلال آل احمد، رسول پرویزی، غلامحسین ساعدی، بهرام صادقی و جمال میرصادقی. و همچنین شاعرانی مانند فریدون توللی، گلچین گیلانی، نادر نادرپور، هوشنگ ابتهاج، فریدون مشیری، شفیع کدکنی (م. سرشک) و بسیاری دیگر.

– معرفی مؤثر نویسندگان و شاعران پیشرو جهان و مکتبهای مدرن ادبیات و هنر جهانی و نمایندگی آنها و ترجمه و تفسیر نمونه‌هایی از آثار ایشان.

– طرح بحثهایی درباره موسیقی کلاسیک و همچنین معرفی سبکهای گوناگون نقاشی مدرن جهان و آشناکردن خوانندگان **سخن** با آثار ایشان.

– انجام تحقیقاتی با معیارهای نو در ادبیات قدیم ایران. پیشنهاد ضرورتها و تقدمهای پژوهش در قلمروهای ناشناخته ادبیات قدیم با روش علمی تحلیلی و انتقادی. از جمله تحقیق انتقادی در عروض فارسی و ابداع طرح تازه‌ای با روش علمی برای شناختن وزن‌ها و بحرهای شعر فارسی.

– تألیف **تاریخ زبان فارسی** نخستین کتاب در موضوع خود به زبان فارسی که تاریخ زبان فارسی را برپایه موازین علم زبان‌شناسی و تبحر در زبانهای ایرانی بررسی کرده است.

– تألیف **دستور زبان فارسی** که نخستین بار بر بنیاد اصول نوین زبان‌شناسی صورت گرفته است.

– تصحیح انتقادی متون قدیم فارسی که مهمترین آن **دیوان حافظ** است.

– ترجمه آثار معتبر نویسندگان بزرگ غرب. پارسی‌نژاد توفیق در انجام هر یک از ابداع و ابتکارهای اصیل یادشده را موجب اعتبار بسیار برای منتقد و مؤلف ادبی دانسته است. اما کارنامه پربرگ و بار خانلری تنها موقوف به موارد یاد شده نیست. او با انتقاد از نثر ناتندرت فارسی و نوشتن مقاله‌های بسیار، سرمشق نثر درست و زیبا شد. با نقد و بررسی آگاهانه از کتابهای تازه در قلمرو داستان و شعر، نویسندگان و شاعران جدید را معرفی و تشویق به ادامه کار کرد. ابتکارش در تأسیس کرسی تاریخ زبان فارسی، بنیاد فرهنگ ایران، پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی و فرهنگستان ادب و هنر ایران و خدماتش در طرح پیکار با بی‌سوادی مردم ایران و نظارت بر طبع و نشر سیصد و پنجاه کتاب از اسناد معتبر تاریخی ایرانیان از تفسیر قرآن و متون عرفانی و ادبی گرفته تا آثار مربوط به نجوم و هیئت و ریاضی و اهتمام در گسترش زبان و ادبیات فارسی در قلمروهای خارج از ایران درخور بحث و بررسی جداگانه‌ای است.

چشم به راه نشر دفترهای دیگر این مجموعه در آثار محمدتقی بهار، فاطمه سیاح، احسان طبری، نیما یوشیج و دیگران در نقد ادبی ایران هستیم.